

مادر مهربان مادر قرآنی

اولین مجله هوشمند قرآنی در کشور
ویژه نهمین جشنواره بین المللی قرآن و حدیث
دارالقرآن سیدالشهدا / جامعة الزهراء
تک شماره / خردادماه ۱۳۹۴



این مجله هوشمند بوده و مجهز به تکنولوژی «واقعیت افزوده»
می باشد. نرم افزار مربوطه را از دارالقرآن دریافت نمایید.

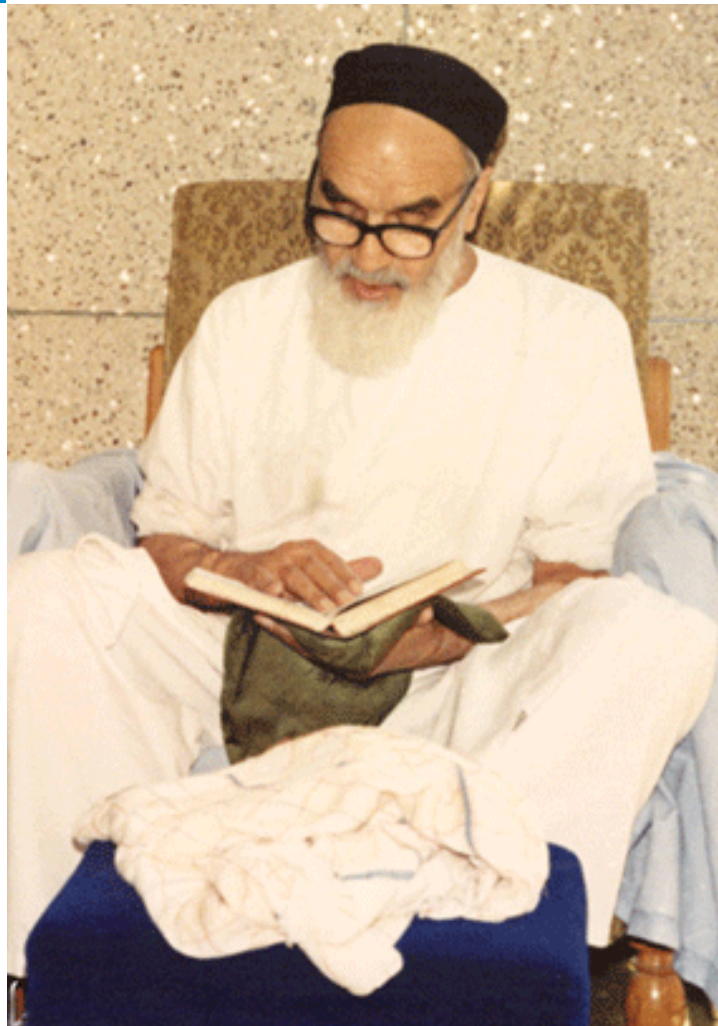




امام خمینی علیه السلام:
انسان اگر درست بشود
همه چیز عالم درست
می شود.

امام خامنه ای:
سعی کنید بچه ها را با
ایمان کنید؛ ایمان به خدا،
ایمان به حقیقت مطلق
و ایمان به اسلام. اگر این
بچه ها با ایمان پرورش پیدا
کردند و شما توانستید بذر
ایمان را در دلشان بکارید،
در آینده می شود از آنها
هر شخصیت عظیمی
ساخت و برای هر کاری
مناسبند.

۱۳۷۷/۰۲/۲۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مادری به سبک مادر آسمانیان حضرت زهرا علیها السلام

سادات صراف مدیردارالقرآن
تهیه نماهنگ: واحد انفورماتیک، آقای جمالی
با همکاری: مهد کودک جامعه الزهراء علیها السلام

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند: در روز قیامت ندا می‌آید... ای دوستان من برگردید، برگردید (به صحنه محشر) نظر کنید (در میان آن جماعت) هر کس را که برای دوستی فاطمه شما را دوست داشته است، هر کس را که به خاطر زهرا به شما دوستداران فاطمه اطعام کرده است، نیکی نموده و با جرعه آبی سیرابتان کرده و یا از غیبت افراد درباره شما مانع شده است، دست او را بگیرید و به بهشت واردش کنید...
بحار الانوار/ ۸/ ۵۲



این آرزو برای زنان، آرزوی دست‌یافتنی‌تر است؛ چراکه آنان وجوه مشترک بسیار ساده و درعین‌حال گوناگونی با حضرت مادر دارند؛ مثلاً تجربه مادری یا مهربانی فراوان، هریک تجربه‌ای ارزشمند محسوب می‌شود. مادران مهربان جامعه امروز ما، بعضی رفتارها را جزو بدیهیات مادری می‌دانند؛ برای مثال: هر مادری خود را موظف می‌داند که به کودکش شیر دهد و اگر به این کار موفق نشود، حسرت آن برایش باقی خواهد ماند؛ زیرا مادران ایرانی بر فرزندان خود بسیار دلسوز و مهربان هستند. موضوع جشنواره و طرح «مادر مهربان، مادر قرآنی» از یک ایده بسیار ساده گرفته شده است؛ این ایده می‌گوید: «همان‌طور که کودک خود را شیر داده‌اید، محبت قرآن را نیز می‌توانید در دل او بکارید و مسئول این کار، خود شما هستید». ما در این جشنواره برآنیم تا در این زمینه تجربه‌هایی را در اختیار شما قرار دهیم.

بسم رب الفاطمه

مادری از جنس قرآن

تاکنون فکر می‌کردم یک مادر قرآنی بوده‌ام؛ چون سال‌هاست حافظ قرآن و مأنوس با آنم؛ بارها در بارداری‌هایم قرآن عزیزم را ختم کرده‌ام و نوای دلنشین آن همواره فضای خانه‌مان را آکنده است.

اما مدتی است که این سؤال ذهنم را مشغول ساخته که: آیا به راستی من یک مادر قرآنی هستم؟ آیا فرزندانم مرا مادر قرآنی می‌دانند؟! اصلاً مهم‌تر از آن، آیا خدای مهربانم در عالم ملکوت مرا این چنین می‌خواند؟

قرآن عزیزم را گوشودم؛ چون می‌دانستم مانند همیشه فقط اوست که مرا پاسخ خواهد داد؛ نازعاتش، فرشته نجاتم شد و چه زیبا فرمود:

«فَإِذَا جَاءَتِ الظَّامَةُ الْكُبْرَى * يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَى * وَبُرَزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى * فَأَمَّا مَنْ طَغَى * وَءَاثَرَ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى * وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى»

تنم لرزید؛ از این پاسخ دندان‌شکنش یافتم که من یک مادر قرآنی هستم، اما نه همیشه!

من آن زمانی مادر قرآنی‌ام که بتوانم افسار نفس بردست‌گرفته، نهیب فریاد حیوانیتم را زیر پای انسانیتم خاموش کرده و به فرزند دلبندم با عمل بگویم که تو را از لیوانی که شکسته‌ای بیشتر دوست دارم و این دنیا و آنچه در آن است در برابر کرامت نفس تو برایم پیشیزی ارزش ندارد؛ آری، من یک مادر قرآنی

هستم اما نه آن زمانی که از یاد او غافل می‌شوم و فریاد می‌زنم! زمانی را به یاد آوردم که خسته از ابتلائات خدای حکیمم، «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» را به دست فراموشی سپرده و طلبکار قطره‌های شیری شدم

که خدای رحیمم توفیق انفاقش را به من ارزانی داشته بود! کاش قدر موهبت مادری‌ام را می‌دانستم؛ کاش همیشه یک مادر قرآنی بودم؛ مهربان، دلسوز و قاطع در تربیت قرآنی پاره‌های وجودم.

و من یک مادر قرآنی هستم، اما نه همیشه! فقط آن لحظاتی که بنده خدایم هستم، نه بنده هوایم؛ آن هنگام که شیرینی لبیک‌گفتن به غضبم را قربانی تلخی گذشتم می‌کنم.

من یک مادر قرآنی هستم؛ اما فقط آن هنگام که توسل به فریادم می‌رسد و قلبم با یا زهرای زبانم یکی شده و آرامش مادری‌ام را با تمام وجود، نثار سلول‌های قلب کوچک فرزندانم می‌کنم.

بارها! خدای مهربان‌تر از همه مادران عالم! دستم را بگیر؛ دوست دارم همیشه یک مادر قرآنی باشم.

آمین یا رب الامهات العالمین

گفت‌وگو

مصاحبه‌گر: خانم یوسفی

امروز در حضور خانم صوفیاما از چین و خانم فاطمه اشرفی‌کنی از قم هستیم تا کمی درباره تجربه‌هایشان در آموزش قرآن به فرزندانشان صحبت کنیم؛ این دو مادر، خود آموزش قرآن به کودکانشان را به عهده گرفته‌اند؛ وقتی یک مادر عهده‌دار آموزش قرآن به فرزند خود می‌شود، بی‌تردید بسیار جذاب‌تر و لذت‌بخش‌تر است و این امر لذت‌مادری را دوچندان می‌کند. ما در این گفتگوی صمیمی، راهکارهای حفظ قرآن و تثبیت آن را بررسی می‌کنیم؛ مادران تمایل دارند به جای تصویر خودشان، تصویر فرزند قرآنی‌شان چاپ شود؛ ما هم از این پیشنهاد استقبال می‌کنیم و امیدواریم همگی مادرانی قرآنی باشیم. دارالقرآن: خانم صوفیما لطفاً ضمن معرفی خودتان، زمینه فعالیت قرآنی خود را بفرمایید و بگویید از چه زمانی به قرآن علاقه‌مند شدید؟ صوفیما: من صوفیاما از ایالت مسلمان‌نشین چین و طلبه جامعه‌الزهرا علیه‌السلام هستم؛ در دوره دانشجویی در چین با قرآن آشنا شدم و در حال حاضر مشغول گذراندن دوره صوت و لحن می‌باشم. چهار فرزند دارم. دختر بزرگم سباح، ۱۲ ساله است و ۲۷ جزء از قرآن را حفظ کرده است. پسرم حیدرجان ۹ سال دارد و حافظ ۱۶ جزء از قرآن کریم می‌باشد. کوثر ۶ ساله است و از ۴ سالگی می‌تواند

بچه‌ها بدنبال جلب توجه والدین هستند چه بهتر که از طریق قرآن توجه ما را جلب کنند.



فرزندان خانم اشرفی

قرآن بخواند و فرزند کوچکم یک سال و نیم دارد. اشرفی: من فاطمه اشرفی‌کنی، عضو گروه طرح و برنامه دارالقرآن هستم که این روزها نیز در خانه مشغول حفظ خانوادگی قرآن هستیم. من اصلاً به یاد ندارم که دقیقاً از چه زمانی با قرآن آشنا شده‌ام؛ ولی تصویرهای زیادی از کودکی در خاطرم هست که مادرم را در حال تلاوت قرآن می‌دیدم. دو پسر دارم، هادی ۹ ساله است و سجاد هم ۴ سال دارد که هر دو نیمی از جزء ۳۰ را از حفظ دارند و هادی به تنهایی می‌تواند قرآن را تلاوت کند.

دارالقرآن: الان به چه طریق به بچه‌ها قرآن یاد می‌دهید؟ اشرفی: بچه‌ها با گوش خود و از طریق شنیدن از محیط می‌آموزند؛ به این ترتیب اگر در محیط یک خانواده قرآنی قرار بگیرید، خودبه‌خود به این سمت حرکت می‌کنند.

صوفیما: اگر محیط خانه قرآنی باشد، آموختن قرآن به بچه‌ها زیاد سخت نیست و کودک می‌فهمد که هیچ روزی بدون قرآن در این خانه نمی‌گذرد؛ از سویی بچه‌ها به دنبال جلب توجه والدین هستند؛ پس چه بهتر که از طریق قرآن توجه ما را جلب کنند. دختر من هم به دنبال چیزی بود که توجه مرا به خود جلب کند و ما به دنبال قرآن بودیم؛ او نیز همین راه را انتخاب کرد؛ از سویی دیگر همه

از من می‌خواستند تا وقت او را با برنامه مناسبی پرکنم که من هم قرآن را انتخاب کردم؛ به نحوی که او تا پنج سالگی هفت بار قرآن را ختم کرد.

اشرفی: من قرآن را در حین حرکات محبت آمیز به او آموزش می‌دادم؛ او هم برای جلب توجه من، قرآن می‌خواند؛ به نظر من یک مادر، هزار و یک راه در اختیار دارد تا به فرزندش قرآن بیاموزد.

دارالقرآن: شما چگونه قرآن خواندن را به فرزندانتان آموختید؟

اشرفی (می‌خندد): من تازه اول راه هستم؛ پسر کوچکم هنوز قرآن نمی‌خواند و پسر بزرگ‌ترم فقط دو سری تحت آموزش‌های قرآنی بوده ولی قرآن خوان نشد تا اینکه به شیوه خودم به او قرآن یاد دادم. حالا می‌تواند به راحتی قرآن بخواند.

صوفیا: من با یک جزوه کوچک آموزش الفبا و با بازی این کار را انجام دادم؛ او نمی‌دانست که من مشغول آموزش حروف الفبا به او هستم؛ سه ماه طول کشید؛ حالا کوثرشش سال دارد و مشکلات من برای اوقات فراغت او کمتر شده است؛ او در مدت یک سال، هفت بار قرآن را ختم کرد. چهار ساله بود که روزی دو صفحه قرآن را به تنهایی می‌خواند.

دارالقرآن: روش آموزش روخوانی شما چه بود؟

اشرفی: روش من یک روش کاربردی و بیشتر شامل آموزش رسم الخط بود که خودم آن را کنار هم چیدم؛ پسر درحقیقت همه علائم را می‌شناخت ولی نمی‌توانست آن‌ها را تطبیق کند. صوفیا: روش من همان روش قدیمی مکتب‌خانه‌ای در ایران است. دارالقرآن: یعنی او می‌نشست و قرآن می‌خواند؟ چطور ممکن است؟! صوفیا: این بستگی به رفتار والدین دارد؛ اگر مادر با بچه مهربانی

کند او هم به میل مادر رفتار خواهد کرد؛ مثلاً دختر کوچک من وقتی بیرون می‌رویم، به من می‌چسبد و چادرم را می‌کشد؛ من می‌توانم موقتاً او را با فریاد از این کار باز بدارم؛ ولی من با صبر، آرامش و مهربانی مانع این کار او می‌شوم و او هم در مقابل، با خواندن قرآن به من مهربانی می‌کند.

اشرفی: مادر قرآنی، یک مادر فوق‌العاده مهربان است؛ درغیراین صورت نمی‌تواند انتظار داشته باشد که آنچه او دوست دارد، فرزندش هم دوست داشته باشد. گاهی ممکن است رفتار من یا سایر مادران قرآنی در مکان‌های عمومی، باعث تعجب دیگران شود. دارالقرآن: از چه نظر باعث تعجب دیگران می‌شود؟

اشرفی: از نظر مهربانی؛ به نظر آن‌ها این اندازه مهربانی از یک مادر بعید است؛ ولی به نظر من مقدمه قرآن-آموزی به کودکان، مهربانی مادر است.

صوفیا: اگر ما خواسته‌های کودک را رد نکنیم او هم ما را رد نمی‌کند؛ البته این کار سختی است؛ چون بچه‌ها خیلی خواسته‌های غیرمنطقی دارند؛ من هرگز سر بچه‌ام فریاد نمی‌کشم؛ اگر کودک رفتار مناسب ببیند و از سوئی محیط خانه هم قرآنی باشد، او هم قرآنی خواهد شد. دارالقرآن: وقتی شما قرآن می‌خوانید، فرزند شما چه می‌کند؟

صوفیا: بازی می‌کند ولی گوشش می‌شنود. او می‌داند قرآن برنامه زندگی ماست و برای ما قرآن هیچ روزی تعطیل نمی‌شود؛ فقط در دو عید غدیر و قربان کمتر می‌شود.

دارالقرآن: وضعیت درسی فرزندانتان چگونه است؟

صوفیا: پسر و دخترم هر دو شاگرد اول هستند. آن‌ها بدون هیچ فشاری برای تثبیت، مشق و تلویزیون برنامه‌ریزی می‌کنند و

اگر شما با بچه مهربانی کنید او هم به میل شما رفتار خواهد کرد.

مقدمه قرآن آموزی به کودکان، مهربانی مادر است.



سیاحت فرزند خانم صوفیا

می دانند که هر شب باید آموخته های قرآنی خود را تحویل دهند. دارالقرآن: چه مزاحمت هایی برای تربیت قرآنی فرزند خود داشته و دارید؟

اشرفی: وقتی پسر بزرگ ترم تنها بود اصلاً نمی توانستم با او قرآن کار کنم. به نظر من به بچه هایی که با هم بزرگ می شوند بهتر می توان قرآن آموخت؛ چون قرآن بخشی از بازی آن ها می شود؛ ولی وقتی بچه تنهاست، قرآن خواندن صرفاً یک پیشنهاد خوب و نه جذاب از طرف مادر است؛ البته ظاهراً خانم صوفیا این مشکل را نداشتند. صوفیا: الان کارهای خانه برای من مزاحمت بیشتری دارد؛ چون مقدار دوره بچه ها زیاد است و من اصلاً فرصت ندارم که به اندازه لازم از آن ها قرآن بیروسم؛ در مجموع روزی نه جزء است؛ البته بچه کوچک هم دارم.

دارالقرآن: رابطه بچه های شما، که با قرآن بزرگ شده اند، نسبت به قرآن آسیب ندیده است؟

صوفیا: خیر! چون آن ها از کوچکی با قرآن مانوس شده اند؛ حتی هنگام بیماری هم قرآن می خوانند و بیشتر وقت ها از برکت همین قرآن شفا می یابند.

دارالقرآن: پس از اینکه دختر شما روخوانی را آموخت، خودش به حفظ مایل شد؟

صوفیا: بله؛ مهد کودک هم او را تشویق می کرد؛ حتی بیشتر اوقات معلمش با پول خود برای او هدیه تهیه می کرد. جزء سی قرآن را همین طور با تشویق خانم آردیان حفظ کرد. کوثر هم الان به مهد کودک می رود و خانم میرمهدی او را خیلی تشویق می کند که اثر خیلی خوبی هم دارد.

دارالقرآن: فرزندان شما به چه کلاسی رفته اند؟

صوفیا: هیچ یک از سه فرزند من به هیچ کلاسی نرفته اند. من خودم به تک تک بچه هایم از اول، قرآن خواندن یاد دادم؛ این طور کار کردن برای خود بچه ها هم راحت تر است. اشرفی: دو پسر من هم کلاس نرفتند؛ ما با هم در خانه قرآن خواندن کار می کنیم.

صوفیا: هر کدام از بچه ها در سن خاصی به قرآن علاقه نشان می دادند. من هم از همان سن آموزش را شروع می کردم؛ چون آن ها می دانند من و پدرشان علاقه فراوانی به قرآن داریم. هم من، هم پدرش خیلی در خانه قرآن می خوانیم.

اشرفی: بله؛ از هر سنی که خود بچه ها تقاضا کنند به آن ها یاد می دهیم.

دارالقرآن: تشویق های شما به چه شکلی است که بچه ها به ادامه کار ترغیب می شوند؟

صوفیا: بچه ها صبح با صدای قرآن بیدار می شوند؛ من کلاس صوت و لحن می روم. تمرینات من تأثیر بسیار خوبی روی بچه ها گذاشته است؛ من اصلاً با تشویق های بزرگ موافق نیستم؛ پسر من می گفت: در کلاس آن ها پسر می هست که پدرش به او قول داده اگر جزء سی را حفظ کند، برای او موتور می خرد؛ اگر بچه را این طور تشویق کنید هرگز موفق نمی شود؛ تشویق باید کوچک و همیشگی باشد و از همان ابتدای آموزش شروع شود. گاهی حتی تشویق او به این صورت است که می تواند هر شب نیم ساعت پیش من بخوابد. تشویق دوستان هم تأثیر زیادی دارد؛ البته من مادر سخت گیری هستم و اجازه نمی دهم که او حتی یک روز هم بی آنکه قرآن بخواند،

او می داند قرآن برنامه زندگی ماست برای ما قرآن هیچ روزی تعطیل نمی شود.

مادری که خودش برنامه فشرده برای قرآن دارد بچه ها از او تبعیت می کنند.



حیدر فرزند خانم صوفیا

مولا جان! اگر برای تو کاری کرده بودیم آمده بودی



کاری از دارالقرآن سیدالشهداء علیه السلام
عکس و فیلم: واحد انفورماتیک جامعه الزهراء علیه السلام
هوشمندسازی: مؤسسه پویانمایی احیاء

به نظر من به
بچه‌هایی که با هم
بزرگ می‌شوند
بهبتر می‌توان قرآن
آموخت؛ چون قرآن
بخششی از بازی آن‌ها
می‌شود.



کوثر فرزند خانم صوفیا

بخواهد؛ البته با مهربانی و بازی به او یادآوری می‌کنم و برنامه قرآنی او را انجام می‌دهیم؛ اگر شبی بدون قرآن خواندن بخواهد، به آرامی با شعر و قصه او را از خواب بیدار می‌کنم؛ گاهی خوراکی مورد علاقه‌اش را به او می‌دهم یا کارتونی را که دوست دارد برایش پخش می‌کنم تا بیدار شود؛ وقتی بیدار شد به او یادآوری می‌کنم که قرآن نخوانده و خوابیده است.

اشرفی: این روش کاملاً مادرانه و مهربانانه است؛ از سویی مادری که خودش برنامه فشرده قرآنی دارد، بچه‌هایش از او تبعیت می‌کنند.

دارالقرآن: به عنوان آخرین سؤال از خدمت شما بزرگواران، خواهش می‌کنم برای استفاده همه مادرانی که دغدغه دارند مادر قرآنی باشند، در چند جمله بفرمایید اصول آموزش قرآن به کودک توسط مادر چیست؟

اول نیت خالص که ما حتماً برای خدا کار کنیم و توسل به اهل بیت علیهم السلام که از شریک قرآن بخواهیم که ما را در این مسیریاری بفرمایند.

دوم: مهربانی و صبر فوق العاده

سوم: برنامه منظم و پیگیری خود مادر برای انس با قرآن و نکته مهم دیگر اینکه ما به قرآن باید به اندازه سایر نیازهای فرزندانمان نگاه کنیم. همه کودکان حتی بیشتر از غذا و لباس به انس با قرآن نیاز دارند.

دارالقرآن: با آرزوی توفیقات بیشتر شما مادران قرآنی، و اینکه تجربیات شما مورد استفاده دیگر مادران نیز واقع شود، از قبول زحمتی که فرمودید بسیار سپاسگزارم.